

# به گسترش اعتراضات سیاسی در ایران خوشبینم!

گفتگو زهرا باقری شاد با مهرداد درویش پور



به مناسبت همایش اتحاد جمهوری خواهان

من درباره گسترش نافرمانی های مدنی و اعتراضات سیاسی در ایران خوشبینم. تردید ندارم شاهد گسترش خیزش های اجتماعی بیشتری به صورت اعتصاب و یا تظاهرات در ایران خواهیم بود. البته فشارهای اقتصادی و نارضایتی نقش کلیدی در این حرکت ها خواهد داشت. اما فکر می کنم با توجه به تجربه جنبش سبز، تمایل مردم ایران به تحول قهری در جامعه کم رنگ است.

در میزگرد دوم روز نخست پنجمین همایش اتحاد جمهوری خواهان ایران که از روز جمعه تا یکشنبه ۱۴ اکتبر در کلن آلمان برگزار شد، شرکت کنندگان درباره "همگرایی و اتحاد نیروهای جمهوری خواه؛ موانع و راه حلها" سخن گفتند.

مهرداد درویش پور، جامعه شناس مقیم سوئد یکی از شرکت کنندگان در این میزگرد بود که با تاکید بر پیوندهای قدرتمند جمهوری خواهان با داخل ایران، این نیروی سیاسی را با کیفیت ترین نیرو و مرکز ثقل سیاسی در جامعه دانست و گفت: "به این دلیل که جمهوری خواهان به عنوان نیرویی تحول طلب از روشهای مسالمت آمیز حمایت کرده و همزمان علیه استبداد سیاسی و جنگ طلبی ایستاده اند به عنوان یکی از جدی ترین نیروها در سیاست ایران حضور دارند".

به بهانه برگزاری این همایش، با درویش پور درباره تاکید او بر برگزاری انتخابات آزاد به گفتگو نشستیم که در ادامه می خوانید.

شما در همایش اخیر اتحاد جمهوری خواهان ایران در کنار تشکیل بلوک جمهوری خواهی مثل همیشه از ضرورت انتخابات آزاد حرف زدید آن هم در شرایطی که خطر جنگ کشور را تهدید می کند. فکر نمی کنید بحث درباره انتخابات آزاد در این شرایط رها کردن تیری در تاریکی است؟ آیا شما از هراس افتادن در دام حمله نظامی به شعار انتخابات آزاد روی آورده اید؟

در این تردید نیست که در شرایط فعلی هیچ زمینه ای برای انتخابات آزاد وجود ندارد. زمانی که جمهوری اسلامی ایران حتی در وسوسه حذف رییس جمهور کودتای انتخاباتی خویش است، تصور اینکه این حکومت به یک انتخابات آزاد تن بدهد واقعا یک شوخی است. ضمن اینکه انتخابات آزاد در شرایطی که اقتدار ولایت فقیه بر سر جامعه سنگینی می کند چگونه میسر است؟ قانون اساسی ایران یک قانون اساسی تبعیض آمیز است. نهادهای غیردمکراتیک همچون شورای نگهبان، مجلس خبرگان و ولی فقیه شالوده نظام تئوکراتیک حاکم بر جامعه اند. ولایت فقیه قدرت واقعی حاکم بر جامعه است و حتی رییس جمهور و مجلس و بقیه نهادها در برابر ولایت فقیه بی قدرت هستند. بنابراین یک انتخابات آزاد در شرایط فعلی چه معنایی می یابد؟ اگر ما در پی برگزار انتخاباتی واقعا آزاد هستیم، آنرا باید به چالشی علیه حکومت بدل سازیم. با وجود جمهوری اسلامی در بهترین حالت ممکن است در تعادل قدرتی ناشی از فشارهای بین المللی و خیزش های اجتماعی که به عقب نشینی حاکمیت منجر شود ما با انتخابات نیمه آزاد روبرو شویم. اما انتخابات آزاد صرفا به عنوان یک راهگشای سیاسی مطرح نیست. طرح آن از اینرو اهمیت دارد تا این پیام را به جامعه بدهیم که ما خواستار حذف هیچ نیروی سیاسی از جامعه نیستیم، خواستار تحول مسالمت آمیز هستیم و در واقع این خواست نوع ملایم تری از طرح شعار تغییر نظام است که کمترین هزینه را در برداشته باشد، کمترین هراس را در جامعه تولید کند و نشان بدهد که ما خواستار تغییر ساختارهای جامعه از طریق قهر و حمله نظامی نیستیم. اهمیت آن در این است که همه نیروهای سیاسی با مقید ساختن خود به آن از سنگربندی خیابانی در برابر هم دوری کنند و به رای مردم احترام بگذارند. همچنین با طرح این شعار در شرایط فعلی ما نشان می دهیم که مایل به توسل به راه حل هایی که خطر جنگ داخلی را افزایش دهد، ایران را نظیر سوریه و لیبی و عراق کند و شیرازه جامعه را از هم بپاشد نیستیم.

**اما همین مساله انتخابات آزاد هم برای جمهوری اسلامی، تولید هراس می کند.**

بله اما به نظر من عاقلانه نیست سیاستی اتخاذ کنیم که پنداشته شود شعار ساختارشکنانه ما به این معنی است که می خواهیم همه نهادهای دولتی و مراجع وابسته به حاکمیت را می خواهیم به گونه ای قهری از قدرت سیاسی حذف و یا نابود کنیم. می خواهیم بگوییم هر نیروی سیاسی می تواند خود را سامان بدهد و در انتخابات آزاد شرکت کند. یعنی نوعی وزن کشی شود که در پرتو آن نشان روشن شود اصولگرایان،

اصلاح طلبان، ملی مذهبی ها، جمهوری خواهان طرفدار جدایی دین و دولت و دمکراسی، کمونیست های طرفدار حکومت کارگری، مجاهدین خلق ایران، گروه های اتنیکی تحت ستم، و بقیه چقدر قدرت دارند و جامعه از طریق رای مردم هدایت شود و نه از طریق نیروی سرکوب. اینکه انتخابات آزاد قبل از تغییر نظام و در شرایط تعادل قدرت بین مردم و حکومت صورت می گیرد یا بعد از تغییر نظام، از پیش نمی توان در باره آن گمانه زنی کرد. اما باید تاکید کرد که برگزاری یک انتخابات واقعا آزاد درگروه تغییر قانون اساسی است. طرح این شعار اگر بتواند در شرایط فعلی چنان بسیج گسترده ای در جامعه را در پی داشته باشد تا تحت شرایطی خاص بتوان حتی شکل سر و دم بریده تری و ناقصی از آنرا برنظام تحمیل کرد مثبت است.

**اجازه بدهید بگویم که این نگاه خیلی خوشبینانه است؛ فکر می کنید دیکتاتوری حکومت اسلامی در ایران برای حتی اشکالی از انتخابات نیمه آزاد آمادگی پذیرش دارد؟**

این واقعیتی است که استبداد دینی حاکم می تواند در دوره هایی حتی از آن چه که شاهد آنیم خشن تر نیز عمل کند، اما در این جا بحث توازن آرایش قوا و میزان فشار نیروهای داخلی و بین المللی اهمیت شایان دارد. شاید ما در تحلیل نهایی با سناریوی سیاه تری مواجه شویم و با حمله نظامی و یا جنگ داخلی نظام فرو بریزد. اما در هر فرایند قهری نیرویی که به قدرت برسد خود را به جامعه تحمیل خواهد کرد. اما اگر هم خیزش اجتماعی به سقوط حکومت منجر شود، خواست انتخابات آزاد از آنجا که فرایندی است که از طریق مسالمت آمیز گردن نهادن به رای مردم را طلب می کند، شرایطی را فراهم می کند که ما با مدل حکومت های ترور و وحشت انقلابی مواجه نشویم. از سوی دیگر نمونه کشورهای نظیر لهستان، آفریقای جنوبی و... نشان داده است که حتی حکومت های کاملا دیکتاتوری وجود داشتند که قبل از اینکه اول برجیده شوند تحت خیزش های اجتماعی و نافرمانی های مدنی و فشارهای بین المللی، به نوع خاصی از انتخابات نیمه آزاد تن داده اند. وقتی ما از انتخابات آزاد حرف می زنیم نمی دانیم در عمل آیا نخست نظام بر اثر یک خیزش اجتماعی تغییر خواهد کرد و بعد انتخابات آزاد صورت خواهد گرفت یا این که یک انتخابات نیمه آزاد زمینه ساز تغییر حکومت خواهد شد. من بر این باورم که این شعار حکومت و نیروهای سرکوب گر را به نوعی خلع سلاح روانی می کند. با اینهمه ضرورتا جامعه از طریق انتخابات آزاد به تغییرنظام نخواهد رسید، بلکه شاید این پروسه برعکس باشد. البته من همیشه بر آن

بوده ام که نظارت مراجع بی طرف بین المللی می تواند برای تضمین سلامت انتخابات مثبت باشد.

**آیا طرح انتخابات آزاد و حتی نیمه آزاد در ایران در شرایط فعلی با طرح شعارهای ساختارشکنانه ای که جمهوری خواهان دمکرات و لائیک همواره مطرح کرده اند در تناقض نیست؟**

نه ضرورتاً! ما قیام علیه جباریت را حق مردم ایران میدانیم و از اعتراضات سیاسی و اجتماعی و نافرمانی های مدنی به عنوان راه کار اصلی برای تغییر حمایت می کنیم. شعار انتخابات آزاد اگر واقعاً به آن و پیش شرط های تحقق آن وفادار بمانیم خود شعاری ساختارشکنانه است. اما من بر آنم که شعار انتخابات آزاد بهرو گفتمانی فراگیر و ملی است که برای همگانی کردن آن باید کوشید. یک تفاوت چشمگیر با اصلاح طلبان در این است که ما به دنبال التزام به قانون اساسی نیستیم بلکه آنرا متکی بر استبداد دینی و تبعیض آمیز می دانیم. بنابراین طرح انتخابات آزاد به معنای کنار گذاشتن شعارهای ساختارشکنانه نیست، بلکه خود نوعی ساختارشکنی نرم است. ما خواستار تغییر کل نظام هستیم. بحث تغییر قانون اساسی، انتخابات آزاد و تشکیل مجلس موسسان سه شعار به هم پیوسته است، هرچند که فرایندهای تحقق آن ممکن است از یک همزمانی تاریخی برخوردار نباشند. تاکید من این است که طرح انتخابات آزاد به جامعه این پیام را به جامعه می دهد که ما نیرویی معتدل و مسالمت جو هستیم که در پی روش های قهری نیستیم و آماده ایم در تحولات آینده کشور نقش جدی ایفا کنیم.

**چقدر در جامعه آمادگی می بینید برای گرفتن این پیام ها و اینکه این بتواند در جامعه حرکت هایی ایجاد کند؟**

من درباره گسترش نافرمانی های مدنی و اعتراضات سیاسی در ایران خوشبینم. تردید ندارم شاهد گسترش خیزش های اجتماعی بیشتری به صورت اعتصاب و یا تظاهرات در ایران خواهیم بود. البته فشارهای اقتصادی و نارضایتی نقش کلیدی در این حرکت ها خواهد داشت. اما فکر می کنم با توجه به تجربه جنبش سبز، تمایل مردم ایران به تحول قهری در جامعه کم رنگ است. درست است که موج انزجار از حکومت، همگانی تر از هر زمان دیگری است. حتی این انزجار در شرایطی که آزادی احزاب وجود ندارد و حکومت به مخالفان درون نظام نیز میدان نمی دهد می تواند جامعه را به عکس العمل قهری بکشانند. اما در مجموع جنبش سبز نشان داد میزان آگاهی جامعه مدنی بیشتر از آن است

که به سادگی تسلیم روش های خشونت آمیز بشود. هرچند اگر این اتفاق هم بیفتد مسئول آن در درجه اول حکومت است. شاید تاکید و آرزوی من در اشاره به انتخابات آزاد این است که مایلم در ایران هم تغییر بیشتر با مدلی نظیر تونس مواجه شود تا لیبی و عراق و سوریه.

### چه سناریوهایی را در آینده پیش بینی می کنید؟

من چهار سناریو را می توانم برای آینده ایران تصور کنم. یکی اینکه حکومت تلاش میکند به تثبیت خودش در داخل و تحمیل خودش به جهان پردازد.

### این با توجه به شرایط فعلی بین المللی دور از واقعیت است.

بله اما سناریوی مطلوب حکومت همین است هرچند کاملا غیرواقعی و بعید است که رخ دهد. سناریوی دیگر این است که حمله خارجی و یا جنگ داخلی صورت بگیرد. این خیلی دور از ذهن نیست و یکی از مصیبت بارترین سناریوهایی است که ممکن است جامعه با آن مواجه شود؛ در این صورت شرایط ایران از یوگسلاوری و سوریه و لیبی و عراق بدتر خواهد شد. سناریوی سوم این است که خیزش های عمومی آنقدر همگانی شوند که بتوانند حکومت را با فرایند فروپاشی روبرو سازند. این فرایند مطلوب بخش مهمی از نیروهای ساختارشکن و از جمله خود من است. اما اینکه چقدر امروز زمینه برای آن وجود دارد، خیلی نباید خوشبین بود. هنوز حکومت قدرت سرکوب دارد و ترس بر جامعه مستولی است. سناریوی چهارم این است که تحت فشارهای روز افزون داخلی و بین المللی حکومت عقب نشینی کند و چهره های معتدل و پراگماتیست خود را به پیش براند تا هم میزان نارضایتی ها را کنترل کند و هم چهره معتدل تری از خود در سطح جهانی معرفی کند و به این ترتیب جلوی جنگ را بگیرد. به نظر می آید که حکومت ناگزیر از این عقب نشینی است. به نظر من هم هر گامی که برداشته شود تا جلوی جنگ گرفته شود و حکومت به عقب رانده شود گام مثبتی است. گرچه خواست ما چیز دیگری است و در پی برچیدن هر گونه تبعیض، استقرار نظام جمهوری، جدایی دین و دولت و دمکراسی پارلمانی هستیم.